



Bases and Grounds of Accountant's Ethical Evaluation of Fraud: Religion, Philosophy and Environment Viewpoints

Nasim Shahmoradi

Assistant Prof., Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. E-mail: n.shahmoradi@iauyazd.ac.ir

Abstract

Objective: Companies have various organizational structures and individuals without very strong ethical orientation may succumb to the unethical practices which causes fraud in such workplaces. The aim of this study is to investigate the environmental, philosophical, and religious factors of accountant's ethical evaluation of fraud in accounting profession.

Methods: In this study, religiosity in three dimensions of personal, social life, and morality has been investigated. Additionally, environmental conditions in two aspects of intrinsic and extrinsic factors and philosophical views of machiavellianism and utilitarianism have been chosen and their effects on ethical evaluation of fraud in four dimensions have been examined. The research data to test hypotheses is collected from 300 questionnaires filled by accountants in spring of 2020 and analyzed by structural equation modeling using LISREL software.

Results: The findings show inverse effect of religiosity in morality on fraud in companies, while religiosity in social and personal life have no significant effect. Besides that, machiavellianism and utilitarianism views have positive and significant effects on ethical evaluation of fraud in accounting, moreover, intrinsic and extrinsic grounds of accountants' ethical evaluation have no significant effect.

Conclusion: The evidence confirms that religiosity in morality and philosophical bases have positive effects on ethical evaluation of fraud while intrinsic and extrinsic grounds have no significant effect, so it can be concluded that to reduce and prevent fraud, factors affecting the individuality of accountants such as religiosity in morality and philosophy are very important and should be considered.

Keywords: Religiosity, Utilitarian, Machiavellianism, Fraud, Intrinsic Environment

Citation: Shahmoradi, Nasim (2020). Bases and Grounds of Accountant's Ethical Evaluation of Fraud: Religion, Philosophy and Environment Viewpoints. *Accounting and Auditing Review*, 27(4), 604-623. (in Persian)



مبانی و زمینه‌های ارزیابی اخلاقی حسابداران از تقبل: دیدگاه دین، فلسفه و محیط

نسیم شاه‌مرادی

استادیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. رایانامه: n.shahmoradi@iauyazd.ac.ir

چکیده

هدف: شرکت‌ها ساختارهای سازمانی متفاوتی دارند و افراد بدون داشتن ریشه‌های اخلاقی قوی در چنین محیط‌هایی، ممکن است به سمت رفتارهای غیراخلاقی منجر به تقلب کشیده شوند. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر عوامل محیطی، فلسفی و دین‌مداری بر ارزیابی اخلاقی حسابداران از تقبل در حرفه حسابداری است.

روش: در این پژوهش، برای دین‌مداری، سه بُعد زندگی شخصی، اجتماعی و اخلاق‌مداری و برای شرایط محیطی، دو جنبه عوامل درونی و بیرونی و همچنین برای فلسفه، دیدگاه‌های سودمندگرایی و ماکیاولیسمی مدنظر قرار گرفت و تأثیر آنها بر ارزیابی اخلاقی تقلب، در چهار بُعد بررسی شد. داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌ها با استفاده از توزیع ۳۰۰ پرسش‌نامه در بهار ۱۳۹۹ که حسابداران و شاغلان حرفه حسابداری آن را تکمیل کردند، گردآوری شد. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار لیزرل و مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج، از تأثیر معکوس دین‌مداری اخلاقی حسابداران بر ارزیابی اخلاقی از تقبل حکایت می‌کند، در حالی که دین‌مداری، در زندگی شخصی و اجتماعی تأثیر معناداری را نشان نمی‌دهد. علاوه بر آن، دیدگاه‌های ماکیاولیسمی و سودمندگرایی نیز، تأثیر مثبت و معناداری را بر ارزیابی اخلاقی از تقبل در حسابداری نشان می‌دهد؛ اما زمینه‌های ارزیابی اخلاقی درونی و بیرونی حسابداران، تأثیر معناداری بر آن ندارد.

نتیجه‌گیری: شواهد از تأیید مبانی دین‌مداری اخلاقی و فلسفی، بر ارزیابی اخلاقی از تقبل در حسابداری حکایت می‌کند، در حالی که زمینه‌های درونی و بیرونی در این رابطه تأثیری ندارند. بنابراین، عوامل اثرگذار بر فردیت حسابداران، مانند دین‌مداری اخلاقی و فلسفه اخلاقی، برای کاهش تقلب و جلوگیری از آن، بسیار بااهمیت است و این موضوع باید در نظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: دین‌مداری، سودمندگرایی، ماکیاولیسم، تقلب، عوامل درونی

استناد: شاه‌مرادی، نسیم (۱۳۹۹). مبانی و زمینه‌های ارزیابی اخلاقی حسابداران از تقبل: دیدگاه دین، فلسفه و محیط. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳۷(۴)، ۶۰۴-۶۲۳.

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۹۹، دوره ۲۷، شماره ۴، صص. ۶۰۴-۶۲۳

DOI: 10.22059/acctgrev.2021.307816.1008419

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸، پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

تاکنون تلاش‌های بسیاری برای بهبود رفتار اخلاقی حسابداران حرفه‌ای انجام شده و آیین رفتار حرفه‌ای، مبنایی برای جهت‌بخشی به این رفتار است؛ ولی همچنان رسوایی‌هایی در حرفه مشاهده می‌شود و این سؤال را به وجود می‌آورد که رعایت اخلاق در بین حسابداران حرفه‌ای، از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد؟ در عمل، آموزش اخلاق در سرفصل‌های درسی دانشجویان به عنوان حسابداران آینده، در نظر گرفته می‌شود؛ ولی به نیازهای حسابداران حرفه‌ای امروزی و چالش‌های پیش روی آنها در این زمینه و در حرفه، توجه زیادی نمی‌شود. حسابداران، مانند بسیاری از افراد حرفه‌ای دیگر، در دنیایی مملو از تغییرات فعالیت می‌کنند، دنیایی که شرکت‌ها در آن از بین می‌روند و تجارت‌ها از مسیر خود منحرف می‌شوند و عدم اجرای کامل قوانین و بروز حوادث طبیعی و محیطی در آن کنترل‌ناپذیر است. در چنین وضعیتی، آنان نیاز دارند که برای اتخاذ تصمیم‌های حرفه‌ای خود، احساس افتخار کنند. هر حسابداری، باید قادر باشد امور مالی مشتریان را به صورت حرفه‌ای و کامل انجام دهد و از سوی دیگر، از رعایت اخلاق نیز غافل نشود. بنا بر نظر آهینفول، آدو، بوتینگ و دانکو^۱ (۲۰۱۷)، تصمیم اخلاقی، به معنای اتخاذ تصمیمی است که هم از جنبه قانونی و هم اخلاقی، برای بیشتر افراد قابل قبول باشد. وقوع تقلب، به عنوان رفتار غیراخلاقی، به بی‌اعتمادی به گزارش‌های مالی منجر شده و باعث شک کردن به سودمندی تصمیم‌گیری بر اساس چنین اطلاعاتی می‌شود و در نهایت، به سست شدن اطمینان سرمایه‌گذاران به شرکت‌ها و حسابداران می‌انجامد. علت این موضوع را نمی‌توان تنها در آن دانست که حسابداران حرفه‌ای، از لحاظ فنی و دانش حسابداری در سطح قابل قبولی قرار ندارند، بلکه در این میان، قضاوت‌های اخلاقی آنان در حرفه که ویژگی‌های شخصیتی آنها را نشان می‌دهد نیز تأثیرگذار است؛ اما در پژوهش‌های پیشین کمتر به آن پرداخته شده است. در این پژوهش، تلاش شده است که هم عوامل محیطی و بیرونی و هم عوامل درونی و فردی حسابداران (ویسشاین^۲، ۲۰۱۱) به صورت هم‌زمان بررسی شود و از آنجا که چارچوب دین‌مداری بر کشور حاکم است، عوامل تأثیرگذاری همچون گرایش‌های دینی و نمودهای آن (توکر^۳، ۲۰۱۶) تحلیل شده و سایر عواملی که مطابق با مبانی نظری، بر ارزیابی اخلاقی افراد اثرگذار است، مانند فلسفه‌های اخلاقی (وست^۴، ۲۰۱۷)، در نظر گرفته شود. بررسی دیدگاه‌ها، به درک سودمندی اخلاق در حرفه حسابداری و جلوگیری از تقلب منجر خواهد شد. هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل اثرگذار بر ارزیابی اخلاقی از تقلب در حرفه حسابداری است. در این پژوهش، دین‌مداری در سه جنبه زندگی شخصی، اجتماعی و اخلاق‌مداری تحلیل شده است و در زمینه تقلب نیز، از ساختاری متفاوت و جامع استفاده شده که شرکت را از چهار جنبه اساسی بررسی می‌کند و جنبه‌های عدم شفافیت شرکتی، ارزش و رفتار شرکتی، پول‌محوری و قانون‌محوری محدود در آن لحاظ شده است. علاوه بر موارد ذکر شده، علت تقلب از دو دیدگاه فلسفی سودمندگرایی و ماکیاولیسمی، هم از جنبه فردی و هم از جنبه گروهی بررسی شده است.

به‌طور کلی، دستاوردها و ارزش افزوده علمی این پژوهش بدین شرح است: ۱. نتایج به‌دست‌آمده، اطلاعات سودمند و نوآورانه‌ای را در زمینه تأثیر عوامل محیطی، فلسفی و مذهبی اثرگذار بر ارزیابی اخلاقی از تقلب در حسابداری ارائه

1. Ahinful, Addo, Boateng & Danquah
3. Toker Gokce

2. Woiceshyn
4. West

می‌دهد که می‌تواند برای قانون‌گذاران، سیاست‌گذاران و نهادهای حرفه‌ای و کلیه افراد علاقه‌مند به ارتقای حرفه مفید باشد و به‌عنوان مبنایی برای اتخاذ تصمیم‌ها در جهت کاهش تقلب در حرفه قرار گیرد؛ ۲. درک سرمایه‌گذاران و پژوهشگران را از دیدگاه‌های مختلف، در خصوص بروز تقلب و مبانی و زمینه‌های اثرگذار بر آن در شرکت‌ها، بهبود می‌دهد؛ ۳. به غنای مبانی نظری در زمینه حسابداری رفتاری می‌افزاید.

مبانی نظری پژوهش

دین‌مداری و تقلب

تحقیقات حاکی از آن است که ملیت و دین، بر عقاید اخلاقی و تصمیم‌گیری افراد اثرگذار است و تمایلات سیاسی، ساختارهای دینی و مذهبی، قضاوت‌های اخلاقی و حفظ منافع عموم، به هم مرتبط بوده و جوامع دینی تفاوت معناداری در این زمینه نسبت به سایر جوامع دارند (توکر، ۲۰۱۷). در برخی از مدل‌های تصمیم‌گیری اخلاقی در ارتباط با فعالیت‌های تجاری، دین نیز در نظر گرفته شده که در دو جنبه عوامل اجتماعی و فردی، در اتخاذ تصمیم افراد اثرگذار بوده است (تورس^۱، ۲۰۰۱). در بیشتر مدل‌ها، چهار منبع در قضاوت اخلاقی افراد اثرگذار بوده است: ۱. تفاوت در درک واقعیت‌ها؛ ۲. تفاوت در ارزیابی از تفکر فرجام‌گرایی؛ ۳. تفاوت در ارزیابی از دیدگاه وظیفه‌شناسی و ۴. تفاوت افراد در چگونگی و منبع به‌کاررفته برای ارزیابی‌ها (هانت و ویتل^۲، ۲۰۰۶). دین‌مداری به مجموعه دانش، احساس و رفتار مبتنی بر تعالیم دینی افراد گفته می‌شود؛ به این معنا که فرد بر اساس دانش دینی خود رفتار کرده و با استفاده از آموزه‌های دینی خود، احساس می‌کند و در نتیجه، رفتارهایی مانند رفتن به مسجد، خواندن قرآن یا عبادت کردن ظاهر می‌شود. نتایج پژوهش‌های پیشین، نشان‌دهنده تأثیر دین و نهادهای دینی بر رفتار افراد است. افرادی با گرایش‌های دینی بیشتر، از رفتارهای غیراخلاقی، ارزیابی منفی دارند؛ زیرا آن را گناه می‌دانند (سینگاپادی، مارتا، رالاپالی و راو^۳، ۲۰۰۰). بنابراین می‌توان دین‌مداری را نوعی مشوق اخلاقی در نظر گرفت که در شرایط پیچیده‌تر، به افراد توانایی اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی اعطا می‌کند. علاوه بر آن، بین تصمیم‌گیری برای گزارش تقلب و دین‌مداری نیز رابطه مثبت و معناداری مشاهده شده است (توکر، ۲۰۱۶). با توجه به مباحث ذکر شده و بر اساس پژوهش توکر (۲۰۱۷)، در پژوهش حاضر، دین‌مداری در سه جنبه لحاظ شده و فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: دین‌مداری در زندگی شخصی حسابداران بر ارزیابی اخلاقی آنان از تقلب اثرگذار است.

فرضیه دوم: دین‌مداری در زندگی اجتماعی حسابداران بر ارزیابی اخلاقی آنان از تقلب اثرگذار است.

فرضیه سوم: دین‌مداری در اخلاق حسابداران بر ارزیابی اخلاقی آنان از تقلب اثرگذار است.

ماکیاولیسم و تقلب

واژه ماکیاولیسم، برای توصیف تمایل به تقلب و گمراه کردن دیگران در جهت دستیابی به منافع شخصی و همراه با تجاوز به حقوق دیگران تعریف شده است (صفری، بنی‌مهد و موسوی کاشی، ۱۳۹۷). ماکیاولیسم به صفت منفی گفته می‌شود

1. Torres

2. Hunt and Vitell

3. Singhapakdi, Marta, Rallapalli & Rao

که نشان‌دهنده راه‌حل غیراخلاقی برای دستکاری در کارها و رسیدن به اهداف شخصی است. در اصل، این اصطلاح برای رهبران سیاسی ارائه شده است؛ ولی عقاید آن برای مدیران تجاری نیز کاربرد دارد (توکر، ۲۰۱۷). ماکیاولیسم با استفاده از رفتارهای سلطه‌جویانه، دستکاری کردن، استثمار و گمراه‌نمودن، در جهت اهداف فردی و سازمانی حرکت می‌کند (لو^۱، ۲۰۱۰). در تفکرات افراطی ماکیاولیسمی، هیچ نگرانی برای رعایت اخلاق مرسوم وجود ندارد و حتی رفتارهای اخلاقی همچون صداقت، دغدغه جامعه داشتن و رعایت قواعد اخلاقی مرتبط با آن، متناقض با این تفکر است (دالینگ، وایتاکر و لوی^۲، ۲۰۰۹). پژوهش‌های قبلی، نشان داده است که ماکیاولیسم با اخلاق و تصمیم‌گیری اخلاقی رابطه منفی دارد (دیانتی و رضایور پرورش، ۱۳۹۳). علاوه بر آن، تأثیر مثبت و معنادار ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم، بر گزارشگری مالی متقلبان نیز تأیید شده است و افراد با ویژگی‌های ماکیاولیسمی، تمایل بیشتری به تقلب از خود بروز داده‌اند (صادقیان، بنی‌مهد، جهانگیرنیا و غلامی، ۱۳۹۸ و یوتامی، یوسفین و نفیسه^۳، ۲۰۱۹). با در نظر گرفتن مباحث مطرح شده و برای سنجش دیدگاه‌های فلسفی، فرضیه زیر ارائه شده است:

فرضیه چهارم: دیدگاه‌های ماکیاولیسمی حسابداران، بر ارزیابی اخلاقی آنان از تقلب اثرگذار است.

سودمندگرایی و تقلب

سودمندگرایی، بر ایجاد حداکثری منافع برای عمده افراد و حداقل ضرر تأکید می‌کند. در این تفکر، تحلیل هزینه - منفعت اجتماعی انجام شده و اگر منافع اجتماعی بیشتر از هزینه آن باشد، آن رفتار به‌عنوان عملی اخلاقی، تأیید می‌شود. در کل، رفتارهایی که به افزایش شادی منجر شود، عملی مناسب و رفتارهایی در جهت عکس آن، به‌عنوان عملی نادرست در نظر گرفته می‌شود (جنکینز^۴، ۲۰۰۳). در زمینه حسابداری، حسابداران رسمی اسکاتلند بر این نکته تأکید کرده‌اند که حسابرسان، نباید خطاها و اشتباه‌های قبلی یا درک شده داخلی و جرایم قانونی یا سایر جرایم را فاش کنند، مگر اینکه احساس کنند عدم افشا، باعث وارد شدن خسارت جدی به عموم خواهد شد؛ زیرا افشای چنین موضوعاتی، به قضاوت حرفه‌ای آسیب می‌رساند (رویایی، طالب‌نیا، حساس یگانه و جلیلی، ۱۳۹۲). تئوری‌های سودمندگرایی، در طبقه اخلاق دستوری طبقه‌بندی می‌شوند و افراد را در اتخاذ تصمیم یاری می‌رسانند. پژوهش‌های پیشین تأثیر سودمندگرایی بر نحوه ارزیابی اخلاقی افراد را اثبات کرده‌اند (توکر، ۲۰۱۳). با توجه به مباحث مطرح شده و برای آزمون دیدگاه‌های فلسفی، فرضیه زیر تدوین شده است:

فرضیه پنجم: دیدگاه‌های سودمندگرایی حسابداران بر ارزیابی اخلاقی آنان از تقلب اثرگذار است.

تقلب در حسابداری و تأثیر عوامل درونی و بیرونی

تقلب در حسابداری، به‌معنای انجام رفتارهای نامناسب در چهار زمینه شفافیت شرکتی، ارزش‌ها و رفتارهای سازمانی، فرهنگ پول‌محوری و فرهنگ قانون‌مدارانه محدود است و در دو گروه درونی و بیرونی طبقه‌بندی می‌شود. منظور از گروه درونی، عوامل مرتبط با شخص حسابداران و منظور از گروه بیرونی، مواردی مرتبط با محیط شرکتی و اجتماعی

1. Low
3. Utami, Yosephine, & Nafsiah

2. Dahling, Whitaker, & Levy
4. Jenkins

است (ایم‌هف^۱، ۲۰۰۳). این ساختارها در موارد بسیاری، به‌خصوص در صورت اعتماد بیش از حد به کمیته حسابرسی، مانع کشف تقلب می‌شود. به‌ویژه، در مواردی مانند کاهش کنترل‌های مدیریتی و اطمینان بیش از حد به اینکه مدیریت در جهت بیشترین منافع سهام‌داران فعالیت می‌کند، در این شرایط و در سایه سیستمی که کنترل‌های چندان مؤثری بر فعالیت‌های مدیریت صورت نمی‌پذیرد، تقلب در حسابداری نیز افزایش خواهد یافت. در حالی که فرهنگ و ارزش‌های شرکتی از رویه‌های متقلبانه در حسابداری حمایت می‌کند، افراد بدون ریشه‌های اخلاقی قوی، در چنین محیط‌هایی ممکن است به سمت رفتارهای غیراخلاقی منجر به تقلب کشیده شوند؛ زیرا چنین فرهنگ‌ها و ارزش‌هایی، بر امانت‌داری حرفه‌ای که بازدارنده یا تعدیل‌کننده تقلب است، چیره می‌شوند. شرکت‌های متفاوت، فرهنگ‌ها و ساختارهای سازمانی گوناگونی دارند که باعث شده میزان تقلب از شرکتی تا شرکت دیگر و بر اساس این تفاوت‌ها، متغیر باشد. فرهنگ پول‌محوری که در نتیجه فشار نیازها یا آرزوهای مالی افراد است نیز، ممکن است به راحتی افراد را در دام شک و تردید انداخته و به سمت تأمین منافع شخصی متمایل کند که در نتیجه، افراد توجهی به اصل حفظ منافع عمومی حسابداران حرفه‌ای نکنند (آدام^۲، ۲۰۰۴). علاوه بر آن، گاهی شرکت‌ها برای انجام عملیات خود با دیدگاه قانون‌مدارانه محدودی مواجه‌اند که در این صورت، حتی علی‌رغم پیشنهادهای حرفه‌ای یا نهادهای قانون‌گذار نیز، تقلب روزبه‌روز افزایش خواهد یافت. در این شرکت‌ها، قوانین به‌شکلی تفسیر می‌شود که متناسب و در جهت اهداف نهایی آنها باشد. به بیان دیگر، تمامی قوانین به‌طور کامل اجرا نمی‌شود (لو، داوی و هوپر^۳، ۲۰۰۸). بررسی مبانی نظری، نشان‌دهنده تأثیر عوامل بیرونی (سازمانی) و درونی (فردی) بر رعایت مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای بوده است (رحیمی کاکلکی، بنی طالبی دهکردی و پیک فلک، ۱۳۹۶ و مشعشی، هاشمی و فروغی، ۱۳۹۷). با در نظر گرفتن موارد مطرح شده و برای بررسی زمینه‌های ارزیابی اخلاقی حسابداران از تقلب، فرضیه‌های زیر مطرح شده است:

فرضیه ششم: عوامل درونی ارزیابی اخلاقی حسابداران بر ارزیابی اخلاقی آنان از تقلب اثرگذار است.

فرضیه هفتم: عوامل بیرونی ارزیابی اخلاقی حسابداران بر ارزیابی اخلاقی آنان از تقلب اثرگذار است.

پیشینه تجربی

آکن و بوچر^۴ (۲۰۲۰)، به بررسی ارتباط بین مذهب و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پرداختند. پژوهش آنها، اولین بازنگری سیستماتیک در مبانی نظری است که با استفاده از ماتریس، موضوع مورد بحث در سطوح خرد و کلان و بر طبق انواع رویکردهای دستوری و توصیفی آزمون شده است. نتایج پژوهش، از وجود رابطه و روندهایی در این زمینه حکایت می‌کند. کرنیاوان و انجارواتی^۵ (۲۰۲۰)، در پژوهشی، به تبیین تأثیر عشق به پول، ماکیاولیسم، دین، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و درک حرفه‌ای حسابداری از آیین رفتار حرفه‌ای، بر نگرش اخلاقی دانشجویان حسابداری پرداختند. نمونه آماری، ۲۷۰ دانشجوی حسابداری بوده است. داده‌های جمع‌آوری شده به‌وسیله پرسش‌نامه با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شده است. نتایج آنان نشان داد که عشق به پول، ماکیاولیسم، دین و وضعیت اقتصادی -

1. Imhoff

3. Low, Davey & Hooper

5. Kurniawan and Anjarwati

2. Adams

4. Aaken and Buchner

اجتماعی، بر نگرش اخلاقی دانشجویان حسابداری تأثیر منفی و معناداری می‌گذارد، در حالی که بر درک آیین رفتار حرفه‌ای تأثیر مثبت و معناداری دارد.

توتینو و مرلو^۱ (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان «تقلب در حسابداری: بازنگری مبانی نظری»، به توضیح انواع بااهمیت تقلب در حسابداری با در نظر گرفتن محیط و ارائه راه‌های متفاوت جلوگیری از آن پرداختند. در این رابطه، پنج بُعد حاکمیت شرکتی، رفتار اخلاقی، دستکاری در حسابداری، روش‌های بازرسی و حسابداران قانونی در ارتباط با تقلب بررسی شده است. نتایج نشان داد که به‌منظور جلوگیری از رفتارهای متقلبانانه در شرکت‌ها، آموزش اخلاق حرفه‌ای به کارکنان و مدیران اجرایی ضروری است. از سویی دیگر، اجزای حاکمیت شرکتی، شامل وجود مدیران اجرایی یا پاداش نیز، بر وقوع تقلب تأثیر می‌گذارد و نقش حسابداران قانونی، در کاهش تقلب پررنگ است.

یوتامی و همکاران (۲۰۱۹)، ارتباط مابین مثلث تقلب و ماکیاولیسم با تمایل به تقلب را بررسی کردند. مثلث تقلب، از سه بُعد فشار، فرصت و توجیه تشکیل شده که در دانشگاه‌های اندونزی و در بین ۳۰۹ دانشجوی حسابداری به‌عنوان جامعه آماری آزمون شده است. نتایج نشان داد: ۱. افراد در مواجهه با فشار زیاد زندگی، تمایل بیشتری به تقلب نشان داده‌اند و برعکس؛ ۲. افرادی که در محیط‌هایی با کنترل‌های داخلی ضعیف‌تری کار می‌کردند، نسبت به سایر افراد انگیزه بیشتری برای تقلب داشته‌اند؛ ۳. افرادی که تقلب را توجیه کرده‌اند، در معرض تقلب بیشتری قرار گرفته‌اند. ۴. افراد با ویژگی‌های ماکیاولیسمی، تمایل بیشتری به تقلب از خود بروز داده‌اند.

مک‌گی، بنت و یوزباشی^۲ (۲۰۱۵)، در پژوهش خود با عنوان «دین‌مداری و تمایل به اخذ رشوه: مطالعه تطبیقی»، گرایش‌های اخلاقی به اخذ رشوه را در ۶ دین مسیحی، اسلام، بودا، بهایی، هندوی و یهودی بررسی کردند. در ابتدا مبانی نظری و تجربی موضوع به بحث گذاشته شده و در ادامه، به آزمون موضوع در ۵۷ کشور و از دیدگاه ۶ دین یاد شده در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ پرداخته شده است. جامعه آماری پژوهش، بیش از ۵۲,۰۰۰ نفر با ویژگی‌های جامعه‌شناختی متفاوت بوده است. نتایج پژوهش، نشان داد که گرایش به رشوه در ادیان مختلف، متفاوت است.

توکر (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر دین اسلام، ماکیاولیسم و سودمندگرایی بر تمایل معلمان به انواع مختلف افشاگری تخلفات (سوت‌زنی) پرداخت. داده‌های به‌دست‌آمده از ۲۷۱ معلم در ترکیه، با استفاده از آمار توصیفی و تحلیل رگرسیون بررسی شده است. بنا بر نتایج به‌دست‌آمده، معلمان به افشاگری داخلی تمایل دارند و دین بر خواست آنان، مبنی بر گزارشگری داخلی با استفاده از روش‌های مثبت و مؤثر، تأثیر می‌گذارد، در حالی که ویژگی‌های ماکیاولیسمی و سودمندگرایی تأثیرگذار نیستند.

الادارس، شمس‌الدین و ادريس^۳ (۲۰۱۳)، به بررسی اخلاق و تئوری‌های اخلاقی از دیدگاه اسلام پرداختند و بیان کردند که تئوری‌هایی مانند نسبیت‌گرایی، سودمندگرایی، وظیفه‌گرایی و تقوا، همه محصول مفهوم غربی اخلاق بوده و چگونگی عملکرد آنها را در فرایند تصمیم‌گیری افراد تحلیل می‌کند. پژوهش تلاش کرده است که عدم جامعیت موارد فوق در درک مفاهیم اخلاقی در طول زمان و مکان را توصیف کند و از دیدگاه اسلام، به قضیه بپردازد و مغایرت‌های

1. Tutino and Merlo

2. McGee, Benk, & Yüzbaşı

3. Al Aidaros, Shamsudin & Idris

موجود میان اسلام و دیدگاه غربی و محدودیت‌ها و ضعف‌های آن را بیان کند. در نتیجه، استدلال شده است که چرا اسلام می‌تواند بهترین درک اخلاقی را ارائه کند.

صادقیان، بنی‌مهد، جهانگیرنیا و غلامی (۱۳۹۸)، به آزمون تأثیر ماکیاولیسم و جهت‌گیری اخلاقی در ارائه گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. داده‌ها که از ۲۳۴ مشاهده در میان مدیران مالی و حسابسان مستقر در شرکت‌های بورسی جمع‌آوری شده، به کمک نرم‌افزار لیزرل تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داد که با فرض دست‌کاری بااهمیت در سود، ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم بر بروز گزارشگری مالی متقلبانه و علاوه بر آن، بر ویژگی‌های اخلاقی ایده‌آل‌گرایی و نسبی‌گرایی نیز تأثیر مستقیم و معناداری می‌گذارد. در کل، شواهد تأیید کرد که ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی، از عوامل رفتاری تشدیدکننده گزارشگری مالی متقلبانه است.

اسماعیلی‌کیا، نجف‌نیا و اوشنی (۱۳۹۸)، در پژوهشی سازوکارهای راهبری درون‌سازمانی با استفاده از مالکیت نهادی اختصاصی و قدرت وام‌دهندگان را بررسی کردند و با تکیه بر تئوری نمایندگی، تأثیر آن را بر تقلب مالی سنجیدند. با استفاده از رگرسیون لجستیک، داده‌های ۱۲۸ شرکت بورسی در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ آزمون شد. نتایج نشان داد که فشار برون‌سازمانی از سوی مالکان و وام‌دهندگان، احتمال بروز تقلب مدیران مالی را افزایش می‌دهد.

صفری و همکاران (۱۳۹۷)، رابطه میان اثربخشی فردی حسابرس و ماکیاولیسم را بررسی کردند. اثربخشی فردی بر عملکرد فرد در سازمان، نحوه انجام‌دادن وظایف و میزان رسیدن به اهداف توسط فرد دلالت دارد، در حالی که ماکیاولیسم، استفاده از هر وسیله برای رسیدن به هدف را مجاز می‌داند. نمونه آماری پژوهش، ۵۱۸ حسابرس شاغل در بخش‌های خصوصی و دولتی بود. بر اساس نتایج، ماکیاولیسم با اثربخشی فردی حسابرس، در هر دو بخش دولتی و خصوصی، رابطه‌ای منفی دارد و متغیرهای فردی نیز با اثربخشی فردی حسابرس، در بخش خصوصی برخلاف بخش دولتی، رابطه‌ای معنادار را نشان داده است.

رحیمی کاکلی، بنی‌طالبی دهکردی و پیک‌فلک (۱۳۹۶)، به بررسی رعایت مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای توسط اعضای جامعه حسابداران رسمی با تأکید بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنان پرداختند. ۲۶۱ پرسش‌نامه در نمونه آماری توزیع شد. نتایج نشان داد که سازه اجتماعی سطح تحصیلات بر ارزیابی بی‌طرفانه تأثیر ندارد، در حالی که سازه‌های فردی سن و جنسیت، بر رعایت مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای شامل بی‌طرفانه بودن، رفتار حرفه‌ای، صلاحیت و مراقبت حرفه‌ای، انسجام و وحدت رویه و رازداری اثرگذار بوده است.

هاشمی و حریری (۱۳۹۶) با هدف شناسایی و پیش‌بینی کشف تقلب مالی، داده‌های ۹۸ شرکت پذیرفته‌شده در بورس تهران را در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ بررسی کردند. داده‌های این پژوهش، با استفاده از رگرسیون چندمتغیره خطی و لاجیت تحلیل شده است. نتایج نشان داد که ناتوانی مدیران در دستکاری مجدد ارقام در سال کشف تقلب، موجب کاهش انحراف صورت‌های مالی از قانون بنفورد نسبت به سال قبل از آن شده است.

نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵)، به مدل‌بندی و تعیین اولویت عوامل مؤثر بر قصد گزارش تقلب مالی توسط حسابداران پرداختند. به این منظور، کارکنان حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۹۴ را به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفتند و داده‌ها را با استفاده از روش رگرسیون تحلیل کردند. نتایج نشان داد که عدالت سازمانی،

شدت اخلاقی و نگرش، بر قصد گزارش موارد تقلب مالی اثرگذار بوده است. در ادامه، راهکارهایی در جهت برگزاری برنامه‌های اخلاقی که بر دین‌داری تأثیر مثبتی دارد، پیشنهاد شده است.

عاطفی و برزگر (۱۳۹۵) با هدف بررسی ادراک اخلاقی دانشجویان حسابداری و اخلاق پولی آنها، ۳۷۵ دانشجوی در سال ۱۳۹۴ را آزمودند. برای بررسی فرضیه‌ها، از آزمون فیشر و کروسکال والیس استفاده کردند و نشان دادند که سن و مقطع تحصیلی دانشجویان با اخلاق پولی و ادراک اخلاقی آنان ارتباط ندارد و جنسیت نیز با ادراک اخلاقی آنان بی‌ارتباط است.

دیانتی و رضاپور پرورش (۱۳۹۳)، رابطه مابین اخلاق شرکتی، مسئولیت اجتماعی و ماکیاولیسم با تمایل مدیران مالی به مشارکت در برنامه‌های فرار مالیاتی را بررسی کردند. جامعه آماری، ۱۰۰ نفر از مدیران مالی شرکت‌های بورسی بود که در سال ۱۳۹۲ انتخاب و با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی آزمون شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از همبستگی اسپیرمن انجام شد. نتایج نشان داد که بین گرایش ماکیاولیستی و اعتقاد مدیران به اخلاق شرکتی و همچنین مخالفت آنان با برنامه‌های فرار مالیاتی، رابطه معکوسی وجود دارد.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی و بررسی‌های انجام شده، پژوهشی که به‌طور هم‌زمان به آزمون مکاتب فلسفی، دین‌مداری و زمینه‌های درونی و بیرونی در ارزیابی اخلاقی از تقلب پردازد پیدا نشد که می‌تواند به‌عنوان جنبه نوآوری کار در نظر گرفته شود.

روش پژوهش

برای به‌دست آوردن چارچوب نظری و بررسی پژوهش‌های پیشین، از روش کتابخانه‌ای بهره برده شده است. این چارچوب، از طریق جست‌وجو در کتاب‌ها و سایت‌های داخلی و خارجی حاصل شد. همچنین روش کسب داده‌ها، روش میدانی است. برای ارزیابی اخلاقی حسابداران از تقلب، از پرسش‌نامه آهینفول (۲۰۱۷) و برای مبانی و زمینه‌های ارزیابی، از پرسش‌نامه توکر (۲۰۱۷) اقتباس شده است که با توجه به استاندارد بودن پرسش‌نامه‌ها، پس از ترجمه فارسی، روایی صوری و کیفی با بهره‌مندی از نظر خبرگان و اساتید دانشگاه ارزیابی شد. برای ارزیابی روایی محتوایی به‌شکل کمی نیز، از شاخص CVR استفاده شد که نتایج در جدول ۲ ارائه شده است. شایان ذکر است که اگر ضریب CVR برای تعداد ۱۵ خبره بیشتر از مقدار ۰/۴۹ باشد، روایی پرسش‌نامه تأیید می‌شود (لاشه^۱، ۱۹۷۵) و همچنین برای پایایی از آلفای کرونباخ بهره برده شد که نتایج آن در جدول ۱ مشاهده می‌شود. نوع پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ زمان جمع‌آوری داده‌ها، مقطعی است و داده‌های لازم برای پژوهش، در بهار ۱۳۹۹ جمع‌آوری شده است. به لحاظ شیوه اجرا، پژوهش حاضر توصیفی پیمایشی است؛ زیرا ضمن توصیف وضع موجود در جامعه، از ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. این تحقیق از نوع کمی است و با استفاده از روش استقرایی، به آزمون فرضیه‌ها پرداخته است.

جامعه آماری پژوهش، کلیه حسابداران و شاغلان در حرفه حسابداری است که نامحدود در نظر گرفته شده‌اند. بر اساس جدول مورگان، نمونه مدنظر ۳۸۴ نفر تعیین شد. از طریق ایمیل و شبکه‌های اجتماعی، ۱۰۰۰ پرسش‌نامه آنلاین،

در اختیار این افراد قرار گرفت که از این تعداد، ۳۰۰ پرسش‌نامه قابل استفاده برای تحلیل آماری دریافت شد. یافته‌های پژوهش، از طریق بررسی مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای برون‌زای دین‌مداری در زندگی شخصی، اجتماعی و اخلاقی، دیدگاه‌های ماکیاولیسمی و سودمندگرایی و عوامل درونی و بیرونی ارزیابی اخلاقی و متغیر درون‌زای تقبل با رویکرد تحلیل عاملی تأییدی به‌دست آمد. روابط بین متغیرها نیز، به‌کمک روش تحلیل مسیر از طریق مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار آماری لیزرل تأیید شد.

جدول ۱. محاسبه پایایی سؤال‌های پرسش‌نامه

متغیر	شماره سؤال‌ها	تعداد سؤال	آلفای کرونباخ
دین‌مداری در زندگی شخصی (RP)	۱ تا ۷	۷	۰/۹۱۵
دین‌مداری در زندگی اجتماعی (RS)	۸ تا ۱۲	۵	۰/۸۹۳
دین‌مداری در اخلاق (RM)	۱۳ تا ۱۶	۴	۰/۸۴۳
دیدگاه‌های ماکیاولیسمی (M)	۱۷ تا ۲۱	۵	۰/۸۵۱
دیدگاه‌های سودمندگرایی (U)	۲۲ تا ۲۶	۵	۰/۷۵۱
عوامل بیرونی ارزیابی اخلاقی (EE)	۲۷ تا ۳۱	۵	۰/۷۱۸
عوامل درونی ارزیابی اخلاقی (IE)	۳۲ تا ۳۵	۴	۰/۷۴۱
تقبل (F)	۳۶ تا ۴۳	۸	۰/۷۲۷
کل پرسش‌نامه	-	۴۳	۰/۸۸۹

مدل‌های اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

قبل از آزمون فرضیه‌ها و مدل مفهومی، باید از صحت مدل اندازه‌گیری اطمینان حاصل شود. از این رو، مدل‌های اندازه‌گیری متغیرها در جدول ۲ درج شده است. گفتنی است که به تعداد متغیرهای مشاهده شده، معادله اندازه‌گیری ارائه شده است. هر معادله شامل ضریب مسیر بین متغیر مشاهده شده و متغیر پنهان، خطای اندازه‌گیری متغیر مشاهده شده، همراه آزمون معناداری آن بر پایه آماره t و نیز مقدار R^2 یعنی ضریب تعیین یا نسبت واریانس تبیین شده به‌وسیله متغیر پنهان است.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای متغیرها

متغیرهای پنهان	متغیرهای مشاهده شده	ضریب استاندارد	آماره t	ضریب تعیین	خطا	CVR
دین‌مداری در زندگی شخصی (RP)	Q۱	۰/۷۵	۱۳/۷۳	۰/۵۶	۰/۰۶۰	۰/۶۰
	Q۲	۰/۸۰	۱۵/۲۸	۰/۶۴	۰/۰۶۱	۰/۷۳
	Q۳	۰/۸۶	۱۷/۰۰	۰/۷۴	۰/۰۵۳	۰/۸۷
	Q۴	۰/۷۸	۱۴/۷۷	۰/۶۱	۰/۰۵۴	۰/۷۳
	Q۵	۰/۸۲	۱۵/۸۳	۰/۶۷	۰/۰۵۶	۰/۶۰
	Q۶	۰/۷۲	۱۳/۱۶	۰/۵۲	۰/۰۵۵	۰/۸۷
	Q۷	۰/۷۴	۱۳/۶۲	۰/۵۵	۰/۰۷۳	۰/۶۰

ادامه جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای متغیرها

متغیرهای پنهان	متغیرهای مشاهده شده	ضریب استاندارد	آماره t	ضریب تعیین	خطا	CVR
دین‌مداری در زندگی اجتماعی (RS)	Q۸	-۰/۸۷	۱۷/۱۳	-۰/۷۵	-۰/۰۵۸	-۰/۸۷
	Q۹	-۰/۷۷	۱۴/۲۳	-۰/۵۹	-۰/۰۶۰	-۰/۶۰
	Q۱۰	-۰/۸۵	۱۶/۶۷	-۰/۷۳	-۰/۰۵۸	-۰/۷۳
	Q۱۱	-۰/۷۲	۱۳/۰۱	-۰/۵۲	-۰/۰۶۸	-۰/۷۳
دین‌مداری در اخلاق (RM)	Q۱۲	-۰/۷۱	۱۲/۸۴	-۰/۵۱	-۰/۰۷۰	-۰/۶۰
	Q۱۳	-۰/۵۹	۹/۶۲	-۰/۳۵	-۰/۰۶۵	-۰/۶۰
	Q۱۴	-۰/۷۱	۱۱/۸۴	-۰/۵۰	-۰/۰۴۷	-۰/۸۷
	Q۱۵	-۰/۴۵	۶/۹۸	-۰/۲۰	-۰/۰۶۷	-۰/۸۷
دیدگاه‌های ماکیاویلیسمی (M)	Q۱۶	-۰/۸۷	۱۵/۱۴	-۰/۷۶	-۰/۰۴۴	-۰/۸۷
	Q۱۷	-۰/۶۵	۱۱/۴۰	-۰/۴۲	-۰/۰۷۲	-۰/۸۷
	Q۱۸	-۰/۸۶	۱۷/۰۴	-۰/۷۵	-۰/۰۵۵	-۰/۶۰
	Q۱۹	-۰/۸۸	۱۷/۵۲	-۰/۷۷	-۰/۰۵۵	-۰/۶۰
دیدگاه‌های سودمندگرایی (U)	Q۲۰	-۰/۸۰	۱۵/۰۸	-۰/۶۴	-۰/۰۵۳	-۰/۷۳
	Q۲۱	-۰/۵۳	۸/۸۰	-۰/۲۸	-۰/۰۶۸	-۰/۶۰
	Q۲۲	-۰/۴۸	۷/۴۸	-۰/۲۳	-۰/۰۶۱	-۰/۷۳
	Q۲۳	-۰/۶۲	۱۰/۲۰	-۰/۳۸	-۰/۰۶۸	-۰/۶۰
عوامل بیرونی ارزیابی اخلاقی (EE)	Q۲۴	-۰/۵۴	۸/۷۳	-۰/۳۰	-۰/۰۷۰	-۰/۸۷
	Q۲۵	-۰/۷۴	۱۲/۷۷	-۰/۵۵	-۰/۰۶۴	-۰/۷۳
	Q۲۶	-۰/۵۴	۸/۵۶	-۰/۲۹	-۰/۰۷۴	-۰/۶۰
	Q۲۷	-۰/۴۷	۷/۳۰	-۰/۲۲	-۰/۰۵۷	-۰/۷۳
عوامل درونی ارزیابی اخلاقی (IE)	Q۲۸	-۰/۷۱	۱۱/۸۶	-۰/۵۰	-۰/۰۶۰	-۰/۷۳
	Q۲۹	-۰/۷۳	۱۲/۲۲	-۰/۵۳	-۰/۰۵۷	-۰/۸۷
	Q۳۰	-۰/۴۸	۷/۶۰	-۰/۲۳	-۰/۰۵۶	-۰/۷۳
	Q۳۱	-۰/۵۰	۷/۹۶	-۰/۲۵	-۰/۰۶۵	-۰/۷۳
تقلب (F)	Q۳۲	-۰/۶۲	۱۰/۴۹	-۰/۳۹	-۰/۰۵۸	-۰/۶۰
	Q۳۳	-۰/۵۹	۹/۸۷	-۰/۳۵	-۰/۰۶۶	-۰/۷۳
	Q۳۴	-۰/۷۵	۱۳/۳۰	-۰/۵۷	-۰/۰۵۷	-۰/۶۰
	Q۳۵	-۰/۷۱	۱۲/۱۵	-۰/۵۰	-۰/۰۵۷	-۰/۷۳
شفافیت شرکتی (T)	شفافیت شرکتی (T)	-۰/۵۷	۶/۸	-۰/۳۲	-۰/۰۶۷	-۰/۸۷
	ارزش و رفتار شرکتی (VB)	-۰/۵۰	۶/۱۳	-۰/۲۵	-۰/۰۶۹	-۰/۶۰
	فرهنگ پول‌محوری (MC)	-۰/۷۹	۷/۹۰	-۰/۶۳	-۰/۰۷۹	-۰/۸۷
	فرهنگ قانون‌مداری محدود (LC)	-۰/۵۹	۶/۹۵	-۰/۳۵	-۰/۰۶۸	-۰/۷۳

نتایج ارائه شده نشان می‌دهد که آماره t تمامی متغیرها، بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ است و از ضریب تعیین مناسبی برخوردارند. در نتیجه، هیچ سؤالی از مدل حذف نشد و کار با همه سؤالات ادامه یافت و به بررسی مدل پرداخته شد. همچنین نتایج گویای مناسب بودن روایی پرسش‌نامه بود.

بررسی مدل

به‌طور کلی در لیزرل، هر یک از شاخص‌های به‌دست‌آمده برای مدل، به‌تنهایی دلیل برازندگی مدل یا عدم‌برازندگی آن نیست، بلکه این شاخص‌ها را باید در کنار یکدیگر و با هم تفسیر کرد. برای ارزیابی مدل، چندین مشخصه برازندگی وجود دارد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. بررسی شاخص‌های برازندگی

شاخص‌ها	مقدار گزارش شده
مجذور کای	۱۳۷۳/۴۳
درجه آزادی	۶۶۹
مجذور کای به درجه آزادی	۲/۰۵
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۶۴
یکویی برازش (GFI)	۰/۸۲
نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۸۰
برازندگی نرم شده (NFI)	۰/۹۱
برازندگی نرم نشده (NNFI)	۰/۹۵
برازندگی فزاینده (IFI)	۰/۹۵
برازندگی تعدیل یافته (CFI)	۰/۹۵

مقدار χ^2 (مجذور کای به درجه آزادی) برابر ۲/۰۵ و کوچک‌تر از ۳ است که مقدار مناسبی است. پایین بودن میزان این شاخص، نشان‌دهنده تفاوت کم میان مدل مفهومی پژوهش با داده‌های مشاهده شده تحقیق است. همچنین مقدار RMSEA برابر ۰/۰۶۴ و کوچک‌تر از مقدار ۰/۱ است. علاوه بر χ^2 ، هرچه میزان شاخص RMSEA کمتر باشد، مدل از برازش مناسب‌تری برخوردار است. شاخص‌های CFI، IFI، NNFI و NFI همگی بزرگ‌تر از مقدار ۰/۹ است، پس مدل برازش مطلوبی را نشان داده و تأیید می‌شود.

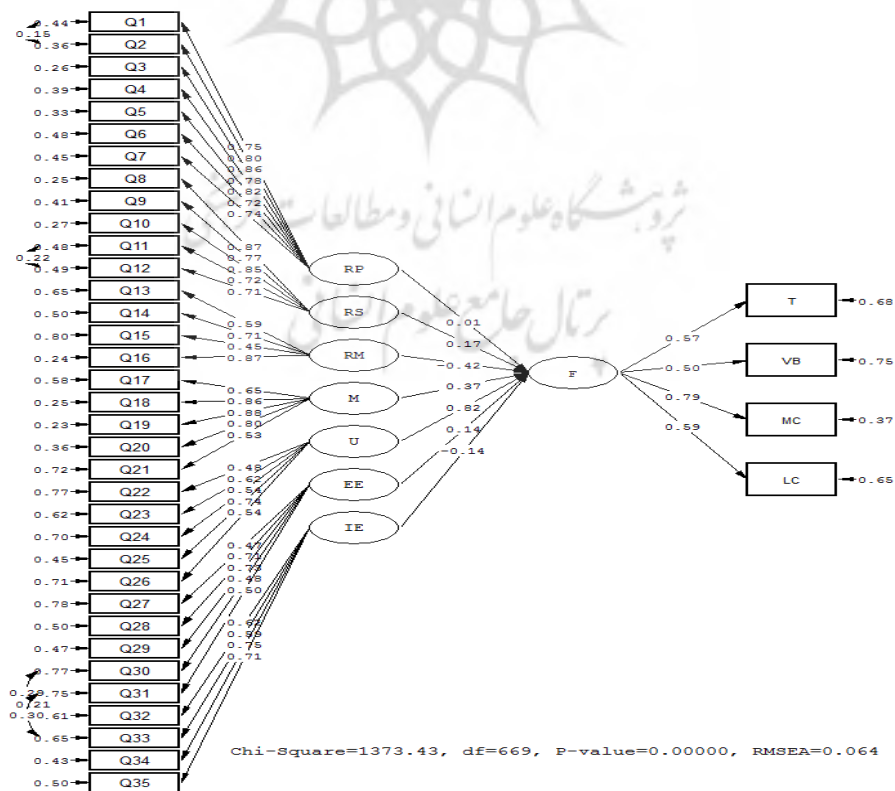
یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۴ خلاصه‌ای از اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه آماری را ارائه می‌دهد. اطلاعات، نشان‌دهنده تنوع نمونه آزمون است. بیشتر پاسخ‌گویان مرد هستند و در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال قرار گرفته‌اند و سابقه کاری آنها کمتر از ۵ سال است. علاوه بر آن، همگی دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و بیشتر در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند.

جدول ۴. مشخصات دموگرافیک

درصد	فراوانی	متغیر دموگرافیک
۵۳/۶	۱۶۱	مرد
۴۶/۴	۱۳۹	زن
۴۲/۹	۱۲۹	کمتر از ۳۰ سال
۳۴/۱	۱۰۲	بین ۳۰ تا ۴۰ سال
۱۹/۵	۵۸	بین ۴۰ تا ۵۰ سال
۳/۵	۱۱	بیشتر از ۵۰ سال
۱۹/۲	۵۸	کاردانی و کمتر
۴۰/۹	۱۲۲	کارشناسی
۲۹/۹	۹۰	کارشناس ارشد
۱۰	۳۰	دکتری
۴۲/۵	۱۲۸	کمتر از ۵ سال
۱۵/۳	۴۶	بین ۵ تا ۱۰ سال
۲۹/۹	۹۰	بین ۱۰ تا ۲۰ سال
۱۲/۳	۳۶	بالاتر از ۲۰ سال
۲۶/۴	۷۹	بخش دولتی
۵۹	۱۷۷	بخش خصوصی
۱۴/۶	۴۴	هر دو
۱۰۰	۳۰۰	جمع



شکل ۱. مدل در حالت ضرایب استاندارد

آمار استنباطی

پس از انجام تحلیل عاملی تأییدی، با استفاده از تحلیل‌های ساختاری به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شد. مدل ساختاری پژوهش در حالت استاندارد، در شکل ۱ مشاهده می‌شود.

نتایج تخمین (قسمت زیرین شکل) حاکی از مناسب بودن مدل است. مدل در حالت استاندارد نشان‌دهنده آن است که چه میزان از واریانس مربوط به متغیر پنهان توسط متغیر مشاهده شده تبیین شده است. ضرایب استاندارد مدل به همراه آماره t هر مسیر، در جدول ۵ درج شده است.

جدول ۵. خلاصه ضرایب استاندارد، ضرایب تعیین، آماره t و نتیجه

مسیرها	ضریب استاندارد	آماره t	ضریب تعیین	نتیجه
دین‌مداری در زندگی شخصی ← تقبل	۰/۰۱	-۰/۰۷	۰/۵۸	رد
دین‌مداری در زندگی اجتماعی ← تقبل	۰/۱۷	۱/۰۹		رد
دین‌مداری در اخلاق ← تقبل	-۰/۴۲	-۴/۸۴		تأیید
دیدگاه‌های ماکیاولیسمی ← تقبل	۰/۳۷	۲/۱۳		تأیید
دیدگاه‌های سودمندگرایی ← تقبل	۰/۸۲	۴/۲۰		تأیید
عوامل بیرونی ارزیابی اخلاقی ← تقبل	۰/۱۴	-۰/۷۳		رد
عوامل درونی ارزیابی اخلاقی ← تقبل	-۰/۱۴	-۰/۶۳		رد

نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای دین‌مداری در زندگی شخصی، اجتماعی و اخلاقی، دیدگاه‌های ماکیاولیسمی و سودمندگرایی و عوامل درونی و بیرونی ارزیابی اخلاقی روی هم توانسته‌اند ۵۸ درصد ارزیابی اخلاقی از تقبل در حسابداری را توضیح دهند. با توجه به مقدار ضریب استاندارد و آماره t ، می‌توان گفت که متغیرهای دیدگاه‌های سودمندگرایی (۰/۸۲)، دین‌مداری در اخلاق (-۰/۴۲) و دیدگاه‌های ماکیاولیسمی (۰/۳۷)، به ترتیب بالاترین تأثیر را بر ارزیابی دارند (بالاترین ضریب مسیر استاندارد) و متغیرهای دین‌مداری در زندگی شخصی و اجتماعی و عوامل بیرونی و درونی ارزیابی اخلاقی، تأثیر معناداری را نشان نمی‌دهند.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تأیید مدل، فرضیه‌های پژوهش ارزیابی شد و نتایج زیر به دست آمد.

تأثیر دین‌مداری بر ارزیابی اخلاقی از تقبل

برای بررسی آثار دین‌مداری اخلاقی بر ارزیابی از تقبل در حسابداری، فرضیه‌های ۱ تا ۳ پژوهش طراحی و آزمون شد. نتایج مندرج در جدول ۵ که در ارتباط با فرضیه اول است، نشان می‌دهد مقدار قدرمطلق آماره t برای مسیر دین‌مداری در زندگی شخصی حسابداران به تقبل برابر ۰/۰۷ و کوچک‌تر از مقدار ۱/۹۶ است؛ بدان معنا که دین‌مداری در زندگی شخصی حسابداران بر ارزیابی از اخلاقی بودن تقبل در شرکت‌ها تأثیر معناداری نداشته است و فرضیه رد می‌شود و

می‌توان گفت که دین‌مداری در زندگی شخصی حسابداران تأثیری بر ارزیابی اخلاقی آنان از تقلب نداشته است. در ارتباط با فرضیه دوم پژوهش، مقدار قدرمطلق آماره t برای مسیر دین‌مداری در زندگی اجتماعی حسابداران بر اخلاقی‌بودن تقلب، برابر $۱/۰۹$ و کوچک‌تر از مقدار $۱/۹۶$ به دست آمده است؛ یعنی دین‌مداری در زندگی اجتماعی حسابداران نیز بر بروز تقلب در شرکت‌ها تأثیر معناداری نشان نداده و فرضیه رد می‌شود. به بیان دیگر، دین‌مداری در زندگی اجتماعی حسابداران نیز، تأثیری بر ارزیابی اخلاقی آنها از تقلب نداشته است. در ارتباط با فرضیه سوم، مقدار قدرمطلق آماره t برای مسیر دین‌مداری اخلاقی حسابداران بر ارزیابی از تقلب، برابر $۴/۸۴$ و بزرگ‌تر از مقدار $۱/۹۶$ به دست آمده است؛ به این معنا که دین‌مداری اخلاقی حسابداران بر ارزیابی اخلاقی از تقلب در شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد و مقدار تأثیر برابر $۰/۴۲$ و منفی (معکوس) است. به بیانی دیگر، هرچه حسابداران به اخلاق اسلامی اعتقاد بیشتری داشته باشند، این امر باعث می‌شود که تقلب را عملی نادرست و غیرقابل قبول ارزیابی کنند و فرضیه تأیید می‌شود.

تأثیر مبانی فلسفی بر ارزیابی اخلاقی از تقلب

برای آزمون مبانی فلسفی ارزیابی اخلاقی و با استفاده از مبانی نظری، فرضیه‌های ۴ و ۵ طراحی و آزمون شد که نتایج آن در جدول ۵ مشاهده می‌شود. در فرضیه چهارم، مقدار قدرمطلق آماره t برای مسیر دیدگاه‌های ماکیاولیسمی حسابداران بر ارزیابی اخلاقی از تقلب، برابر $۲/۱۳$ و بزرگ‌تر از مقدار $۱/۹۶$ است که می‌توان نتیجه گرفت، دیدگاه‌های ماکیاولیسمی حسابداران بر ارزیابی آنان از تقلب در شرکت‌ها تأثیر معناداری داشته و مقدار تأثیر برابر $۰/۳۷$ و مثبت (مستقیم) است. به بیان دیگر، حسابدارانی که دارای دیدگاه‌های ماکیاولیسمی قوی‌تری هستند، ارزیابی مثبتی از تقلب دارند و انتظار بروز تقلب از چنین افرادی بیشتر است. در فرضیه پنجم، مقدار قدرمطلق آماره t برای مسیر دیدگاه‌های سودمندگرایی حسابداران به تقلب، برابر $۴/۲۰$ و بزرگ‌تر از مقدار $۱/۹۶$ است، یعنی دیدگاه‌های سودمندگرایی حسابداران بر ارزیابی از اخلاقی بودن تقلب نیز در شرکت‌ها تأثیر معناداری می‌گذارد و مقدار تأثیر برابر با $۰/۸۲$ و مثبت (مستقیم) است. به بیان دیگر، از حسابدارانی که ویژگی شخصیتی سودمندگرایی آنها پررنگ‌تر است، بروز تقلب بیشتری انتظار می‌رود.

تأثیر زمینه‌های ارزیابی اخلاقی بر تقلب

برای بررسی تأثیر زمینه‌های اخلاقی، دو عامل بیرونی و درونی در قالب دو فرضیه ۶ و ۷ طراحی شد که نتایج آن در جدول ۵ بیان شده است. در ارتباط با فرضیه ششم، مقدار قدرمطلق آماره t برای مسیر عوامل بیرونی ارزیابی اخلاقی حسابداران از تقلب، برابر $۰/۷۳$ و کوچک‌تر از مقدار $۱/۹۶$ است؛ یعنی عوامل بیرونی ارزیابی اخلاقی حسابداران بر تقلب در شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارد. به بیان ساده‌تر، نتایج نشان داد که عوامل بیرونی و مرتبط با محیط، تأثیر معناداری بر ارزیابی اخلاقی از تقلب در حسابداری نداشته و فرضیه رد می‌شود. در فرضیه هفتم، مقدار قدرمطلق آماره t برای مسیر عوامل درونی ارزیابی اخلاقی حسابداران به تقلب، برابر $۰/۶۳$ و کوچک‌تر از مقدار $۱/۹۶$ است و به عبارتی، عوامل درونی ارزیابی اخلاقی حسابداران بر تقلب در شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارد. به بیان روان‌تر، نتایج نشان می‌دهد که عوامل درونی و مرتبط با ارزش‌های فردی حسابداران، تأثیر معناداری بر ارزیابی آنان از تقلب ندارد و این فرضیه نیز رد می‌شود. در کل ارتباطی میان عوامل بیرونی و درونی و تقلب دیده نشده است.

بحث و پیشنهادها

دین‌مداری و ارزیابی اخلاقی از تقرب

در فرضیه اول، دین‌مداری در زندگی شخصی آزمون شد که منظور از آن، موارد و جنبه‌هایی از دین است که به‌عنوان پاسخ به سؤال‌هایی درباره معنا و مفهوم زندگی مطرح می‌شود و دستورهای آن، برای ایجاد هماهنگی و سازگاری میان پیروان ادیان و از بُعد فردی است؛ به‌عنوان مبنای انتخاب روش زندگی افراد در نظر گرفته می‌شود و بیشتر جنبه آموزه‌های دینی را که مبنای رفتار حسابداران است، تحلیل و بررسی می‌کند که ارتباط معناداری بین آنها مشاهده نشد. در فرضیه دوم، جنبه اجتماعی و رفتاری دین‌مداری که برخاسته از باورها و احساس‌های حسابداران است، آزمون شد. در این فرضیه، تلاش شد که تأثیر حضور در اجتماعات مذهبی و دینی، مانند مساجد و هیئت‌های مذهبی در ارزیابی‌های اخلاقی افراد تحلیل شود و نقش الگوهای دین‌مدار، مانند اساتید و مدیران با اعتقادهای قوی‌تر در اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی و جلوگیری از وقوع تقرب آزمون شود که ارتباط معناداری در آن مشاهده نشد. در فرضیه سوم، به بررسی اخلاق اسلامی و تأثیر قوانین و آیین‌نامه‌های داخلی و اخلاقیات، در کنار دین و تشخیص اولویت‌های آنها پرداخته شد. نتایج نشان داد که پاسخ‌گویان، فارغ از پایداری به اعتقادهای دینی، نقش پررنگ اخلاق اسلامی و قوانین را در عدم بروز تقرب و ارزیابی‌های اخلاقی خود در نظر می‌گیرند و برای اجرای قوانین و اخلاق اسلامی، فارغ از نوع اعتقاد خود، وزن بیشتری را برای آن لحاظ می‌کنند. نتایج به‌دست‌آمده، هم‌جهت با پژوهش‌های نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵)، مک‌گی و همکاران (۲۰۱۵) و کرنیوان و انجراواتی (۲۰۱۹) است.

با توجه به نتایج کسب شده و تأثیر معکوس جنبه اخلاقی دین‌مداری بر ارزیابی از تقرب، به سازمان حسابرسی توصیه می‌شود که به‌منظور آشنایی و به‌کارگیری مباحث اخلاق اسلامی برای تدوین‌کنندگان آیین رفتار حرفه‌ای و استانداردها و حسابداران، تمهیدات لازمی را اتخاذ کنند. به مدیران بخش‌های دولتی و خصوصی نیز توصیه می‌شود که در استخدام حسابداران، تأثیر دین‌مداری اخلاقی و عدم تأثیر دین‌مداری در زندگی شخصی و اجتماعی در ارزیابی اخلاقی و جلوگیری از تقرب را در نظر بگیرند. همچنین به شرکت‌ها و مراکز آموزشی توصیه می‌شود که برای آشنایی با اخلاق اسلامی در حرفه حسابداری، کارگاه‌های آموزشی دایر کنند و آثار آن را بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی حسابداران حرفه‌ای، آموزش دهند.

مبانی فلسفی و ارزیابی اخلاقی از تقرب

در تفکر ماکیاولیسمی، برای رسیدن به نتایج مدنظر و مطلوب، استفاده از هر راهکاری حتی غیراخلاقی مجاز است و می‌توان گفت، هدف وسیله رسیدن به آن را توجیه می‌کند. در صورت وجود چنین ایدئولوژی‌ای، علاوه بر بروز تقرب بیشتر، افراد سعی می‌کنند در صورت انجام تخلف، از آن در جهت مزایای خود استفاده کنند و فقط در صورت کسب منافع شخصی، تقرب را گزارش کنند. وجود چنین تفکری در حسابداری، بسیار خطرناک است؛ زیرا شفافیت شرکت را زیر سؤال می‌برد و به خدشه‌دار شدن وجهه حرفه حسابداری منجر می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده تأثیر مستقیم تفکر ماکیاولیسمی، بر وقوع تقرب در حسابداری است که با یافته‌های صادقان و همکاران (۱۳۹۸)، دیانتی و رضاپور پرورش (۱۳۹۳) و یوتامی و همکاران (۲۰۱۹) هم‌جهت است. در این راستا، به مدیران توصیه می‌شود که در سیستم ارتقا و پاداش

یا در زمان استخدام حسابداران جدید، دیدگاه فلسفی افراد و هم‌سویی آن با منافع سازمانی را بررسی کنند. همچنین، به نهادهای حرفه‌ای و استانداردها توصیه می‌شود که در تدوین استانداردهای جدید و بازنگری استانداردهای پیشین، از رویکرد مبتنی بر قواعد که قضاوت‌ها و استثناهای بیشتری در آن وجود دارد، کمتر استفاده کنند تا امکان سودجویی و فرصت‌طلبی شخصی حداقل شود.

سودمندگرایی نیز نوعی تفکر جمع‌گرا است که در آن فردیت افراد و حقوق فردی تا حد زیادی به حاشیه برده می‌شود و کلیه ارزش‌های اخلاقی و قابل قبول، تحت تأثیر گروه و اکثریت قرار می‌گیرد. در این حالت، ممکن است منافع جمع یا همان شرکتی که حسابداران سودمندگرا در آن فعالیت می‌کنند، بر منافع دیگران ترجیح داده شود و به دلایل مختلف، ارزیابی مناسبی از تقلب انجام نشود. نتایج به‌دست‌آمده، از تأثیر مستقیم تفکر سودمندگرایی بر وقوع تقلب در حسابداری حکایت می‌کند. در این رابطه، به سازمان آموزش عالی توصیه می‌شود که برای آموزش تفکرات فلسفی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد حسابداری، سرفصل درسی تدوین کنند و مفاهیم منافع عمومی را برای دانشجویان تبیین نمایند. افزون بر این، به انجمن حسابداران رسمی و کارشناسان رسمی دادگستری توصیه می‌شود که از انواع تفکرات فلسفی اثرگذار بر تقلب آگاه شوند و در اعطای مدارک حرفه‌ای، نحوه تعامل با آن را در نظر بگیرند.

زمینه‌های ارزیابی اخلاقی و تقلب

منظور از عوامل بیرونی، محیط احاطه‌کننده حسابداران و موقعیت‌های اجتماعی دخیل در ارزیابی‌های اخلاقی آنها است. در بررسی عوامل بیرونی، مبانی‌ای که برای تصمیم‌گیری و ارزیابی اخلاقی حسابداران استفاده می‌شود، تحلیل شده است. مواردی مانند دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های شرکتی، وجهه اجتماعی افراد دخیل در موضوع، ارزش‌های حرفه‌ای و نظر همکاران و تأثیر آن در ارزیابی اخلاقی حسابداران از تقلب. در بررسی عوامل درونی، فردیت حسابداران مدنظر قرار گرفت و عوامل و ارزش‌های پررنگ آنان بررسی شد. در این قسمت، به تحلیل تأثیر ارزش‌های ملی، سنت، عرف و نظرهای خانواده بر ارزیابی اخلاقی حسابداران از تقلب و نقش فرد و ارزش‌های فردی در جلوگیری از رفتارهای غیراخلاقی در حسابداری پرداخته شد. با توجه نتایج به‌دست‌آمده، زمینه‌های بیرونی (سازمانی) و درونی (فردی) حسابداران بر ارزیابی اخلاقی آنان از تقلب تأثیرگذار نیست. این یافته با نتایج دین‌مداری در بُعد زندگی شخصی و زندگی اجتماعی حسابداران هم‌جهت است و عدم تأثیر مبانی دینی و زمینه‌های شخصی و اجتماعی بر ارزیابی اخلاقی حسابداران از تقلب را تأیید می‌کند. نتایج کسب شده هم‌جهت با پژوهش عاطفی و برزگر (۱۳۹۵) است.

در کل، نتایج بیان‌کننده تأثیر فلسفه و مبانی اخلاقی اسلام بر ارزیابی اخلاقی حسابداران حرفه‌ای از تقلب است. زمینه‌های درونی، به‌معنای ویژگی‌های فردی و زمینه‌های بیرونی شامل محیط سازمانی، تأثیری را نشان نمی‌دهد. در حالی که در بسیاری از شرکت‌ها و در فرهنگ رایج، اغلب از ابزارهای بیرونی مانند آیین‌نامه‌ها و الزام به انجام اموری که در ظاهر نمود داشته باشد، استفاده می‌شود تا به بهبود حرفه و کاهش تقلب منجر شود. با توجه به نتایج، توصیه می‌شود که به مبانی ارزشی و تفکرات مؤثر حسابداران توجه بیشتری شود و با فرهنگ‌سازی از طریق آموزش ارزیابی‌های اخلاقی مدارانه و عوامل مؤثر بر آن، راه‌های جلوگیری از تقلب معرفی گردد. همچنین، آشنایی حسابداران با انواع تفکراتی

همچون ماکیاولیسمی و سودمندگرایی، کمک می‌کند تا با عوامل مختلفی که ممکن است بر ارزیابی‌های اخلاقی آنان اثرگذار باشد، آشنا شوند و به این ترتیب، خود، شرکت و حرفه را ارتقا دهند.

منابع

- اسماعیلی کیا، غریبه؛ نجف نیا، سمیه؛ اوشنی، محمد (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین ساز و کارهای راهبری شرکتی برون سازمانی و تقابل مالی با تمرکز بر ارزیابی شناختی از تجویزهای تئوری نمایندگی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۲)، ۱۶۹-۱۹۲.
- دیانتی، زهرا؛ رضایور پرورش، رویا (۱۳۹۳). رابطه بین اخلاق شرکتی، مسئولیت اجتماعی و ماکیاولیسم با فرار مالیاتی. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۹(۴)، ۱-۱۲.
- رحیمی کاکلکی، مینا؛ بنی طالبی دهکردی، بهاره؛ پیک فلک، جمشید (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر رعایت اخلاق حرفه‌ای حسابداران. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۲(۱)، ۱-۱۲.
- رویائی، رضمانعلی؛ طالب نیا، قدرت اله؛ حساس یگانه، یحیی؛ جلیلی، صابر (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین فلسفه اخلاق فردی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، ۶(۱۶)، ۱۵-۲۶.
- صادقیان، مسعود؛ بنی مهد، بهمن؛ جهانگیرنیا، حسین؛ غلامی، رضا (۱۳۹۸). ماکیاولیسم، جهت‌گیری اخلاقی و گزارشگری مالی متقلبان. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۳)، ۴۱۳-۴۳۴.
- صفری، زهرا؛ بنی مهد، بهمن؛ موسوی کاشی، زهره (۱۳۹۷). ماکیاولیسم و اثربخشی فردی حسابرس. *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۷(۲۶)، ۱۰۵-۱۲۰.
- عاطفی، مرجان؛ برزگر، الهه (۱۳۹۵). ماهیت اخلاق پولی و ادراک اخلاقی دانشجویان حسابداری: نقش ویژگی‌های فردی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳(۴)، ۵۰۷-۵۲۶.
- مشعشی، سید محمد؛ هاشمی، عباس؛ فروغی، داریوش (۱۳۹۷). تأثیر تفاوت‌های فردی حسابرسان بر تعهد حرفه‌ای آنها: بررسی نقش میانجی سازگاری جو اخلاقی. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵(۳)، ۴۷۵-۴۹۲.
- نمازی، محمد؛ ابراهیمی، فهیمه (۱۳۹۵). مدل‌بندی و تعیین اولویت عوامل مؤثر بر قصد گزارش تقلب‌های مالی توسط حسابداران. *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲(۴۹)، ۱-۲۸.
- هاشمی، سید عباس؛ حریری، امیرسینا (۱۳۹۶). ارزیابی توانایی قانون بنفورد در شناسایی و پیش‌بینی کشف تقلب مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۴(۲)، ۲۸۳-۳۰۲.

References

- Aaken, D., & Buchner, F. (2020). Religion and CSR: a systematic literature review. *Journal of Business Economics*, 90, 917-945.

- Adams, C.A. (2004). The Ethical, Social and Environmental Reporting-Performance Portrayal Gap. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 17(5), 731-757.
- Ahinful, G., Addo, Sh., Boateng Felix, O., & Danquah Boakye, J. (2017). Accounting Ethics and the Professional Accountant: The Case of Ghana. *International Journal of Applied Economics, Finance and Accounting*, 1(1), 30-36.
- Al Aidaros, H., Shamsudin, F., & Idris, K. (2013). Ethics and Ethical Theories from an Islamic Perspective. *International Journal of Islamic Thought*, 4, 1-13.
- Atefi, M. & Barzegar, E. (2017). The Nature of Monetary Ethics and Accounting Students' Ethical Perception: The Role of Individual Characteristics. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 23(4), 507-526. (in Persian)
- Dahling, J.J., Whitaker, B.G., & Levy, P.E. (2009). The development and validation of a new machiavellianism scale. *Journal of Management*, 35(2), 219-257.
- Dianati, Z., Rezapoor Parvaresh, R. (2015). Relation between Corporate Ethics, Social Responsibility, Machiavellianism and Tax Avoidance. *Ethics in science and Technology*, 9 (4), 1-12. (in Persian)
- Esmaili Kia, GH., Najafnia, S., & Oshani, M. (2019). Investigating the Relationship between External Corporate Governance Mechanisms and Financial Fraud, Focusing on Cognitive Evaluation Theory Insights on Agency Theory Prescriptions. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(2), 169-192. (in Persian)
- Hashemi, S. & Hariri, A. (2018). The Analysis of Benford's Law Ability to Identify and Predict Financial Fraud Detection. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 24(2), 283-302. (in Persian)
- Hunt, S.D., & Vitell, S.J. (2006). The general theory of marketing ethics: a revision and three questions. *Journal of Macromarketing*, 26, 1-11.
- Imhoff, J. E.A. (2003). Accounting quality, auditing and corporate governance. *Accounting Horizons*, 117-128.
- Jenkins, J. (2003). *Ethics and religion*. (Heinemann Advanced Religious Studies). 2nd edition. Oxford: Heinemann Educational Publishers.
- Kurniawan, A., & Anjarwati, A. (2020). Does love of money, Machiavellian, religiosity, socioeconomic status, and understanding of the accountant's code of ethics affect the ethical perception of accounting students. *Advances in Economics, Business and Management Research*, 123, 33-37.
- Lau, T. (2010). The good, the bad and the ugly: The shifting ethical stance of Malaysian consumers. *Intangible Capital*, 6(2), 236-257.
- Lawshe, C.H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28, 563-575.
- Low, M., Davey, H., & Hooper, K. (2008). Accounting scandals, ethical dilemmas and educational challenges. *Critical Perspectives on Accounting*, 19, 222-254.

- Maranjory, M., Vakilifard, H., & Pour Zamani, Z. (2017). Tendency toward Machiavellianism Behavior & the Auditors' Attitude toward Unethical Marketing Methods. *Ethics in science and Technology*, 12(3), 99-108. (in Persian)
- McGee, R., Benk, S., & Yüzbaşı, B. (2015). Religion and Ethical Attitudes toward Accepting a Bribe: A Comparative Study. *Religions*, 6, 1168–1181.
- Moshashaei, S., Hashemi, S., & Foroughi, D. (2018). The Effect of Auditors' Individual Differences on Their Professional Commitment: The Mediation Effect of Ethical Climate Fit. *Accounting and Auditing Review*, 25(3), 415-432. (in Persian)
- Namazi, M., & Ebrahimi, F. (2017). Modeling and Identifying Effective Factors Affecting the Intention of Reporting Financial Fraudulent by Accountant. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 12(49), 1-48. (in Persian)
- Nikomaram, H., Jalili, A., & Rahnamay Roodposhti, F. (2012). Conceptual Model for Behavioral Accounting. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 1(1), 55-72. (in Persian)
- Rahimi Kakolaki, M., Banitalebi Dehkordi, B., & Peikfalak, J. (2017). Effective Factors on Performing Professional Ethics by Accounts. *Ethics in science and Technology*, 12 (1), 75-87. (in Persian)
- Royaei, R., Taleb Nia, Gh., Hassas Yegane, Y., & Jalili, S. (2013). Relationship Between Personal Moral Philosophy and Demographic Characteristics with Audit Quality Reduction Behaviors. *Management Accounting*, 6(16), 15-26. (in Persian)
- Sadeghian, M., Banimahd, B., Jahangir Nia, H., & Gholami Jamkarani, R. (2019). *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(3), 413- 434. (in Persian)
- Safari, Z., Banimahd, B., & Mousavi Kashi, Z. (2018). Machiavellianism and Auditor's Individual Effectiveness. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7(26), 105-120. (in Persian)
- Singhapakdi, A., Marta, J.K., Rallapalli, K.C., & Rao, C.P. (2000). Toward an understanding of religiousness and marketing ethics: An empirical study. *Journal of Business Ethics*, 27, 305-319.
- Tashdidi, E., & Sepasi, S. (2019). Designing a Model for Preventing and Controlling Fraud based on Grounded Theory. *Quarterly financial accounting journal*, 10 (40), 29-50. (in Persian)
- Toker Gökçe, A. (2015). Relating teachers' whistleblowing tendency and personal features: Machiavellianism, religiosity, and utilitarianism. *Educational Research*, 25(4).
- Toker Gokce, A. (2017). Development of the Ethical Evaluation Questionnaire: A Machiavellian, Utilitarian, and Religious Viewpoint. *European Journal of Educational Research*, 6(1), 79 - 92.
- Toker-Gokce, A. (2013). Relationship between whistle-blowing and job satisfaction and organizational loyalty at schools in Turkey. *Educational Research and Reviews*. 8(14), 1186-1197.

- Toker-Gokce, A. (2016). The effect of teachers' spirituality and ethical ideology on their preference of reporting wrongdoings at schools. *International Education Studies*, 9(5), 85-95.
- Torres, M. B. (2001). *Character and decision-making (Doctoral dissertation)*. IESE: University of Navarra. Pamplona, Spain, Retrieved from www.iese.edu/research/pdfs/T_103.pdf.
- Tutino, M., & Merlo, M. (2019). Accounting Fraud: A Literature Review, Risk Governance and Control. *Financial Markets & Institutions*, 9(1), 8-25.
- Utami, I., Yosephine, W.A. & Nafsiah, M. (2019). Fraud Intention and Machiavellianism: An Experimental Study of Fraud Triangle. *International Journal of Financial Research*, 10(5).
- West, A. (2017). The ethics of professional accountants: An Aristotelian perspective. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 30(2), 1-28.
- Woiceshyn, J. (2011). A model for ethical decision making in business: Reasoning, intuition, and rational moral principles. *Journal Business Ethics*, 104, 311–323.

